

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

گلوگاه یورش مهاجمان و مدعیان قدرت ظرفیت تعامل با نظام بین الملل و سایر کشورهای جهان خروج یا ترک خفت بار امریکایی‌ها و پس منظر آن

ذلت وجدانی و تاریخی را تا ابد بنام خود ثبت کردند
عُرف سیاسی براندازی نظام در افغانستان
تاوان اشتباهات دیگران را نباید پرداخت
باقی ماندن در زندان اشتباهات

حضور نیرهای بیگانه در صحنه تحولات سیاسی - اجتماعی هر کشوری کاملن واضح و مبرهن است. خواه این حضور مستقیم باشد یا غیر مستقیم، دوستانه باشد یا خصمانه، یکطرفه باشد یا دوطرفه، همه گونه‌های چنین حضوری، آنهم تحت عنوان روابط و مناسبات خارجی قابل تحلیل و بررسی می‌باشند که مجموعه تعاملات اجباری یا اختیاری، دوستانه یا خصمانه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها با یکدیگر را شامل می‌شود. البته کشورهای مختلف به لحاظ ویژگی‌ها و امتیازات ژئوپولیتیک خود، از سطوح مختلف روابط خارجی برخوردار می‌شوند و از لحاظ فعال یا منفعل بودن، از هم متفاوت می‌باشند. هرچند که امروزه در سیستم دهکده جهانی و برنامه جهانی کلیه ویژگی‌های ژئوپولیتیک قرار است که رنگ بپا زد و همه واحدهای جغرافیایی در خدمت بیک مرکز ادامه حیات دهند، اما سایر کشورها را بیگانه قلمداد می‌نمایند. کشور عزیز ما افغانستان که یکی از ممتاز ترین کشورهای ژئوپولیتیک جهان محسوب می‌گردد، همواره دارای اصول مشخصی در تعامل با سایر کشورها بوده است، که از آن به مفهوم سیاست خارجی تعبیر می‌شود. با بررسی تاریخ در می‌یابیم که شهروندان کشور ما سر رشته عادی ترین تحولات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور را در دست سیاست استعمارگران می‌دیدند.

در امتداد ماه اسد سال پار، پس از ۲۰ سال حضور نظامی - سیاسی و اقتصادی ایالات متحده و ناتو، "طالب"ها مجدداً به حاکمیت سیاسی دست یافته و قدرت در کشور را متصرف گردیدند. در مورد تکرار چرخه حوادث و وقایع بایست چنین آغاز سخن نمود که بازیگران خارجی در صدد آن شدند تا مدل‌های مورد نظر خویش تحت عنوان "جامعه جدید" و "نظم سیاسی جدید" را به کشور عزیز ما انتقال دهند، اما قبل از تکوین برنامه‌ها و دست‌یابی کامل با اهداف مورد نظر، بار و بسته‌ها و ناگزیر به ترک اراضی متعلق با افغانستان گردیدند. چنین الگویی را می‌توان با ویژگی‌های جامعه افغانی و با در نظر داشت ساختاری که دانشمندان آن را غیر متمرکز و شبکه‌یی تعریف می‌نمایند، توضیح نمود. متذکر باید گردید که شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به مثابه روش‌های منحصربفردی از روابط و مناسبات اجتماعی پنداشت که گروه‌ها یا افراد جداگانه بگونه داوطلبانه درجوا مع انسانی سوای سلسله مراتب رسمی و جدا از دولت، با هم متحد می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بر بنیاد شباهت شرکت کننده‌ها، موقعیت اجتماعی، ارتباطات و موجودیت منابع و غیره موارد، شکل گیرند. اما در مطالعه و بررسی‌ها در مورد جامعه مورد نظر و بویژه در تحلیل و موشگافی درباره ساختارهای تروریستی، از اصطلاح "شبکه" به مثابه معرفی سایر پیوندهای اجتماعی که نشانه‌هایی از شبکه‌های اجتماعی و سازمان

های غیردولتی، موقعیت و موجودیت گروه‌های قومی، سیاسی، مدنی، اجتماعی و غیره در آنها موجود می باشد، کارگرفته می شد. در امتداد سال های پسین، نقش رسانه بی، شبکه های اطلاع رسانی و روزنامه نگاری در کشور قابل توجه بود، ولی تاکنون آنها تغییر انچنانی در مجموعه نظم سیاسی ایفا نمودند.

اما قابل تذکر پنداشته می شود که تقویت مناسبات قومی و قبیله‌ای شهروندان کشور ما، بویژه در امتداد پروسه مبارزه مسلحانه علیه بیگانگان، قابل تذکر پنداشته می شود. شهروندان افغانستان با وجود اختلافات و ضد و نقیض گویی هایی، در قبال مبارزه علیه بیگانگان، چون تن واحدی به مبارزه و نبرد همچنان ادامه دادند. اما در وضعیت حاضر، با وجود آنها و بنابر عوامل و فاکتورهای قومی، مذهبی و نژادی، "طالب" ها قادر نشدند تا بگونه یکپارچه عمل نمایند.

دردوره های مختلف تاریخی، نیروهای سیاسی متعددی هم تلاش ورزیدند تا در جامعه، مدل جایگزین خویش را با شبکه های موجود معرفی نموده و سازمان های غیردولتی، جنبش های مختلف، احزاب و غیره را پایه گذا ری و تأسیس نمودند. اما احزاب تأثیرگذار در کشور چنین می پندارند که بویژه در امتداد زمانی حاکمیت کرسی - غنی، نتوانستند و یا اصلن نخواستند و حتا اراده آنرا نداشتند تا شکل گیری و پیدایش احزاب مورد نظر در کشور از قوه بفعل مبدل گردد.

در شرایط و برهه های مختلف تاریخی، وضعیت از چه قرار بود؟ ایالات متحده با تکیه بر نیروهای سیاسی داخلی (دولت و پارلمان)، شبکه های امنیتی (ارتش و پولیس)، شبکه های تبلیغاتی، رسانه های قبلی و رسانه های موجود، شبکه های اقتصادی و شبکه های مناسبات مدنی و منحصر بفردش را ایجاد نمود.

بگمان اغلب که یکی از جمله دستاوردهای قابل ذکر بویژه در امتداد زمانی حضور ایالات متحده را می توان توسعه رسانه های محلی پنداشت. از رهگذر تعداد نشرات مستقل، افغانستان در مجموع کشورهای منطقه، از جایگاه شایسته ای برخوردار گردید. بخش قابل توجهی از وسایل ارتباط جمعی با استفاده از امکانات موجود توسط خارجی ها و عمدتاً با پشتیبانی مالی ایالات متحده ایجاد گردیده و سرپا نگهداشته شدند. همچنان کشور های منطقه نیز بنحوی از انجا درصد تأثیرگذاری بر پروسه سیاسی در کشور ما گردیده و بایجاد و تأسیس رسانه های وفادار بخویش مبادرت ورزیدند. با این حال، این رسانه ها از رسانه های هوادار غرب که از آزادی های بیشتری برخوردار و کمتر به سیاستمداران محلی وابسته بودند، در درجه نازلتر اهمیت قرار گرفتند. نخبگان افغان که با زبان انگلیسی بلدیت داشته و بسادگی افهام و تفهیم می نمایند، بخوبی از محتویات آنها مطلع می گردیدند.

ایالات متحده همچنان شبکه ها و انجوهای مربوط بخودش را ایجاد نمود. بویژه، پس از سرنگونی "طالب" ها در کشور، سلسله گسترده و وسیعی از انجوها عرض وجود نموده و در عین حال تأثیرگذاری برخی از آنها باندازه ای قابل توجه بود که بسیاری ها آنرا بمتابعت حکومت موازی نامیدند. انجوها در عرصه های تعلیم و تربیه، حقوق بشر، توسعه رسانه ها، تنظیم و تهیه برنامه های فرهنگی، کار آفرینی و غیره، بگونه ای بردولت فشار وارد نمودند، اما حاکمیت در کابل (بویژه در دوره ریاست جمهوری کرسی) اصلن در صدد آن نشد تا بگونه ای بفعالیت ها و چگونگی عملکردهای نهاد های یاد شده نظارت داشته و در تغییر مأموریت آنها نیز اقدام عملی از قوه بفعل مبدل نگردیده و از انجام تلاش هایی که به نتایج دلخواهی مبدل گردد نیز خودداری بعمل آمد. تعداد انجوها اما بویژه با آغاز خروج نظامیان ناتو در امتداد سال ۱۳۹۳ کاهش یافت. ممکن پس از تصرف قدرت توسط "طالب" ها در ماه اسد سال پار، تعداد مجموعی انجوها، بگونه ای بسطح آنچه در سال ۱۳۸۰ وجود داشت، تقلیل حاصل نمود. در وضعیت حاضر و شرایط کنونی، اظهار نظر در مورد قطع کامل فعالیت انجوها، قبل از موقع پنداشته می شود. تداوم فعالیت برخی از وسایل اطلاعات جمعی، رسانه های جدید و جامعه مدنی، نشاندهنده این واقعیت می باشد که انجوها تاکنون حمایت ها و پشتیبانی هایی از خارج دریافت نموده و بخودی خود بر وضعیت و چگونگی اوضاع بنحوی از انجا تأثیرگذار می باشد. از جانب دیگر، "طالب" ها عمدتاً به شبکه های ثابتی مانند شبکه های قومی، مذهبی و حتا به شبکه های خارجی نیز متکی بودند. با درک اهمیت جامعه اطلاعاتی و ایجاد ارتباطات، "طالب" ها شبکه های اطلاعاتی منحصر بفرد شان را پایه گذاری نمودند. در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، تقریباً در تمامی وزارت خانه ها به تشکیل دفتر مطبوعاتی مبادرت ورزیده تا بوسایل اطلاعات همگانی نیز بگونه ای نظارت داشته باشند. اما امکانات حرفه بی در کلیه ارگان های دولتی بگونه بیسابقه ای در سطح نازلی قرار داشته و پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، در حدود ۶۰ درصد از

روزنامه نگاران کشورهای شان را از دست داده و بیکار شده اند که در نتیجه، اصل باور و اعتماد به وسایل همگانی به پایین ترین سطح نزول نموده است.

شبکه های احزاب در کشور عموماً بر بنیاد منافع و مصالح قومی - قبیله‌ای، نژادی و مذهبی قرار داشته و نحوه عملکرد شان را نیز عوامل و موارد یاد شده تعیین و مشخص می نماید. اما ساختارهای شبکه‌ای بنحوی از انحاً تحت تأثیر پیوندهای افقی که بگونه سلسله مراتبی نیستند، قرار دارد، - برعکس، آنها در جهت مخالف سلسله مراتب قرار داشته و در چنین موقعیتی، مرکز واحد رهبری و هدایت کننده اصل وجود ندارد. در کشور عزیز ما افغانستان این امکان نیز بعید بنظر نمی رسد که شبکه‌ها نقش مسلط و تعیین کننده نهاد های دولتی را به چالش بکشد. چه، تاریخ سرزمین کشور ما، قیام های بیشمار شبکه های قبیله‌ای را به یادگار دارد و همینکه قدرت حاکم در کشور بیک قبیله و یا قوم تکیه کرده و بر آن حساب باز نموده و از نقطه نظر قبایل مختلف درجا معه، عملکرد های غیر عادلانه و غیر منصفانه، بویژه در عرصه مسایل و موارد سیاست های مالی و نحوه و چگونگی موضعگیری در قبال همان و بهمان قبیله را پیشه نموده است، شاهد قیام ها و خیزش های عمدتاً قومی و قبیله‌ای بوده ایم. بگونه نمونه در زمان حاکمیت احمدشاه درانی در امتداد سده ۱۷ عده ای از قبایل ناراض پبنتون به قیام های مبادرت ورزیدند، چه، اقدامات تضيیقی و فشار های قدرت های حاکم در کشور بویژه در قبال نژادها و قبایل موجود در جامعه، یکی از علل و عوامل شکل گیری خیزش های مردمی گردید که بعدها می توان از خیزش و قیام هزاره ها در سال ۱۲۷۲ و یا خیزش و شورش تاجیک ها بر رهبری حبیب الله کلکانی در سال ۱۳۰۷ یادآوری بعمل آورد.

نباید فراموش نمود و همچنان همه بخاطر دارند که پس از یوگوسلاویا نوبت به افغانستان رسیده و پس از آن حوادثی دامنگیر عراق و لیبیا نیز گردید. حوادث مطرح در هر سه کشور یاد شده، بلایا و مصیبت های فراوانی را بدنبال داشته و ساختار های دولتی را بگونه ای درهم شکستند، مرحله و فاز بعدی عملکردهای اینچنینی شامل شمال آفریقا نیز گردیده و در آنجا هم، آنچه از شخصیت ها و حاکمیت های سیاسی که موافق مزاج ایالات متحده نبوده و مستقلانه عمل می نمودند، یکی پس از دیگری تحت عنوان "دفاع از دموکراسی"، سرنگون نمودند. آنچه که با هیاهوی دیگری تحت عنوان "آزادی و دموکراسی" آغاز گردید، در واقع به جولانگاه رهزنی بین المللی و فرو پاشی نظم اقتصادی مبدل گردید.

در مورد چگونگی عملکرد های ایالات متحده بمثابة یک کُل بهم پیوسته بایست خاطر نشان گردد که موفقیت های آن کشور قبل از آنکه با واقعیت های موجود در کشور ما همخوانی داشته باشد، در نوع خود، تلاش های ریاکارانه اداره و اشنگتن بمفهوم محدود کلمه محسوب می گردد. در برخی از محافل چنین ادعا میگردد که تلاش های مذبحخانه اداره نامبرده بمنظور خدشه دار نگردیدن وجهه آن کشور، نحوه عملکردهایش در کشور ما را موفقیت آمیز جلوه می دهد. نباید فراموش نمود که با موضعگیری های اینچنینی مأموریت دایمی ایالات متحده در سازمان ملل، در صدد آن می باشند تا نقش رهبری کننده و جهت دهنده آن کشور در سازمان یاد شده را احیا نمایند.

همه با این امر موافق می باشند که در کنار سایر موارد، از جمله ریاکاری های ایالات متحده، یکی هم موفق شمردن سیاست و اشنگتن در مورد کشور ما بشمار می آید. در اینجا پرسشی مطرح می گردد که آیا موجودیت و حضور پررنگ و هم پیمانان و متحدین ناتوی آنها در افغانستان را می تواند موفقیت آمیز تلقی نمود؟ پاسخ در این مورد کاملن منفی می باشد. امریکایی ها با اهداف از قبل تعیین شده به اراضی متعلق بسرزمین کشور ما یورش آورده و "مبارزه علیه تروریسم" بمثابة سر لوحه فعالیت ها و کنش های آنها عنوان گردید، اما وضعیت بگونه ای انکشاف نمود که در نهایت امر، کشور ما را بمثابة کانون تروریسم و مواد مخدر مبدل نمودند. بر بنیاد اظهار نظر های دست اندر کاران مسایل مربوط به کشور ما، در امتداد سال های یاد شده، حضور "القاعده" در کشور ما بیش از هر زمان دیگر تثبیت گردیده و بارتباط آن، شبکه های "دولت اسلامی" (داعش)، بیش از هر زمان دیگر فعال گردیدند. در عین حال، وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور نیز واقعن اسفناک بود. میلیاردها دلار دست نشانده های فساد پیشه و مقام های فاسد دولتی حیف و میل نمودند. در نتیجه، کشور ما بیک کشور وابسته و بدون هیچگونه دورنمای امیدوار کننده ای مبدل گردید. نتیجه حضور ۲۰ ساله نظامیان امریکایی و متحدینش در کشور ما، سبب مرگ تعداد بیشماری از افغان های بیدفاع شده و ویرانی های بیحد و حصری را در عقب خود بیادگار گذاشتند.

نتیجه ملاقات ها و گفتگوهای منفرد از هم و جداگانه با "طالب" ها، آنها بدون سهمگیری دولت افغانستان و فرا خواندن غیرمسئولانه نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما، بخودی خود سبب ساز سقوط حاکمیت دولتی و فراز آمدن "طالب" ها ب قدرت گردید. در این زمینه، اقدامات ایالات متحده، بویژه در عرصه مسؤلیت پذیری در قبال وضعیت کنونی کشور ما و بویژه پس از اعلام اداره واشنگتن مبنی بر احيای افغانستان ویرانه توسط کشور های دیگر، واقع شرم آور می باشد.

علاوه بر آن، در امتداد زمانی موجودیت نظامیان امریکایی در کشور ما، در نتیجه بمباردمان های هوایی نظامیان پنتاگون، در کنار ضایعات مادی، بیشترین شهروندان ملکی و بی دفاع کشور ما بشمول زنان و اطفال یا مجروح شده و یا از زندگی ساقط گردیدند.

ناگفته نباید گذاشت که بکارگیری و انجام فعالیت های محاربوی توسط شرکت های خصوصی جنگی را می توان از طرفند های دیگر واشنگتن در کشور عزیز ما پنداشت. همچنان نباید فراموش خاطر ما شود که پروسه تحقیقات و بررسی جنایات وحشتناک انجام شده و کشتادن عاملان آن به محکمه، توسط واشنگتن از مدت هاست که متوقف گردیده و هرگونه تلاش دیوان بین المللی کیفری در نتیجه بکارگرفتن تحریم ها توسط ایالات متحده، در نطفه خاموش گردید.

همه باین امر موافقتند که ایالات متحده بدون در نظر داشت عواقب احتمالی، تصمیم به ترک سرزمین و اراضی کشور ما اتخاذ نموده که در نتیجه، خروج عجولانه نظامیان ایالات متحده و ناتواز اراضی متعلق به کشور ما، بدون در نظر داشت عواقب احتمالی آن، صورت عملی بخود اختیار نموده و مقادیر هنگفت سلاح و مهمات حربی را نیز برجا گذاشتند.

خاطرنشان می گردد که "طالب" ها در امتداد ماه اسد سال پار، حملات و یورش های شان علیه نیروهای دولتی را تشدید بخشیده و بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال پار، وارد کابل شده و یکروز پس از آن اعلام نمودند که بیشتر از این، دامنه جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور برچیده شد. دو هفته پس از آن، تعداد بیشماری از شهروندان کشور و درگام نخست همکاران قوت های خارجی در میدان هوایی کابل جابجا شدند. بتاريخ ۹ ماه سنبله سال پار، نظامیان امریکایی میدان هوایی کابل را ترک نمودند که در نتیجه، بحضور ۲۰ ساله نظامیان امریکایی در کشور ما نقطه پایان گذاشته شد. متعاقب آن، در آغاز ماه سنبله سال پار، ترکیب اعضای دولت موقت در کشور برهبری محمد حسن اخوند اعلام گردید. نامبرده از سال ۲۰۰۱ بدینسو تحت تحریم های ایالات متحده قرار دارد.

بر بنیاد گزارش های منابع مطلع، اعضای کابینه "طالب" ها بمنظور ملاقات و گفتگو پیرامون مسایل مربوط بکشور با ملاءهیت الله وارد کندهار شدند. منابع محلی گزارش کردند که اختلاف ها میان ملاءمحمد یعقوب وزیر دفاع، سراج الدین حقانی و حاجی یوسف وفا والی کندهار در حضور ملاءهیت الله رهبر "طالب" ها مطرح بحث قرار داده شد. منابعی در مورد یاد شده چنین اظهار نظر می نمایند که در جریان گفتگوها از تغییراتی در مجموعه کابینه "طالب" ها حرف و حدیث های مطرح بحث قرار گرفت. در کنار سایر مسایل و موارد قابل بحث از جمله یاد آور شدند که بیشترین معضلات بوجود آمده ناشی از عدم برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت کنونی "طالب" ها محسوب می گردد.

در برخی از منابع، اظهاراتی دال بر گفتگوهای کندهار در مورد ایجاد تغییراتی در کابینه "طالب" ها، بعمل آمد. مطابق شهادت منابع یاد شده، در کنارسعی بمنظور دستیابی براه حل اختلافات داخلی، شرکت کننده ها در مورد علل و عوامل عدم برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت یاد شده نیز بحث و تبادل نظر بعمل آوردند. قابل تذکر پنداشته می شود که اخباری در مورد ملاقات با ملاءهیت الله اخوند زاده در حالی به نشر می رسد که رهبری "طالب" ها چندی قبل، خبر مرگ نامبرده را اعلام نموده بودند.

بر اساس گزارش های موجود، معاون قبلی ریاست جمهوری کشور ادعا می ورزد که هیأت بهدف ملاقات با رئیس آی.اس.آی که در کندهای بصری برد، وارد آن شهر گردیدند. بگفته نامبرده، رئیس سازمان استخبارات پاکستان قبلن وارد کندهار شده و به سازماندهی ملاقاتی دور از چشم و مسایل اطلاعات جمعی مبادرت ورزید. همچنان در ملاقات و گفتگوهای کندهار از محمد حسن اخوند رئیس الوزرای "طالب" ها و ملاءعبدالغنی برادر، سراج الدین حقانی وزیر امور داخله و برادرش انس حقانی، ملاءمحمد یعقوب وزیر دفاع و همچنان از ۱۵ عضو کابینه "طالب" ها دعوت بعمل آمده بود.

رهبر "طالب" ها، هیچگاهی در انظار عامه ظاهر نگردیده و ملاقات و گفتگوهای اینچنینی، در نوع خود نخستین ملاقات نامبرده با "طالب" ها، بویژه پس از بقدرت رسیدن آنها در کابل می باشد. ملاقات یادشده در مهمانخانه ملا محمد عمر در کندهار سازماندهی و اجرا گردید.

جلسات کابینه "طالب" ها بگونه معمولی، هفته یک مراتبه در کاخ ریاست جمهوری در کابل تدویر می یابد. اما بتاريخ ۲ ماه حمل سال روان، جلسه یادشده در کندهار تدویر یافت. این در نوع خود، دومین نشست و ملاقات مقامات مسؤل "طالب" ها در کندهار پس از بقدرت رسیدن آنها در کشور بود.

یکشنبه ۷ ماه حمل سال ۱۴۰۱ خورشیدی